

بازگرداندن بدن به طراحی داخلی

اسپینوزا و نظریه طراحی داخلی

علیرضا محسنی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۵

چکیده

پارادایم‌های هستی‌شناسی، فهم آدمی از تمام هستی و حتی بدنش را می‌سازند، فهم انحاء مختلف وجود انسان مانند «معماری» و «داخلی طراحی‌شده» متأثر از پارادایم حاکم است و تا آنجا که تغییری در این پارادایم رخ ندهد تطور بدن و تصور آن در معماری صرفاً به تطور صور معماری (تاریخ استاندارد و غیرکاربردی معماری)، تحویل خواهد شد. ضرورت هر برون رفتی از این تاریخ استاندارد و رسیدن به فهمی ره‌اشده از پارادایم غالب، پرسش از بدن و بازمانی‌های بدن در معماری است: گذشتگان برای کدام بدن طراحی می‌کرده‌اند؟ این پرسش چه به واسطه حجم و غنای داده‌های تاریخ استاندارد و چه به علت بدیهی پنداشتن وظایف معماری/طراحی در ازدحام پرسش‌های روزگار ما گم شده است. آگاهی از این وضعیت ما را واداشت تا تلاش برای بررسی تطور بدن و تصور آن در معماری را بر مبنای قرائتی ویژه از اسپینوزا پیش ببریم که پارادایمی بدیل و به قولی متعلق به «جریان زیرزمینی فلسفه» است. اسپینوزا با طرح «این‌همانی امتداد و اندیشه»، تغییر خوانش ما را از تاریخ معماری ممکن ساخت تا در تفسیر آن به جای تاکید بر ایده‌ها و افکار معماران به نظام ویژه ابدان/اشیا نظر کنیم و در نتیجه «معماری‌ها» (نه معماری) و «بدن‌ها» متفاوت ببینیم: یک تاریخ غیراستاندارد معماری‌ها، حاصل از صورت جدید انتظام داده‌ها. از دل تغییر پارادایمی مذکور، مفهوم جدیدی از طراحی شروع به بالیدن می‌کند. با تاریخی کاربردی و اخلاقی دربرابر تاریخ نظری محض فعلی. که با رد تمایز میان عاملان انسانی/تکنولوژیکی طراحی (شهرساز، معمار، طراح داخلی، رایانه و ...) و برتری آنها بر طبیعت، بدن طبیعت را جایگزین بدن انسان در داخلی‌ترین لایه طراحی خواهد کرد.

واژگان کلیدی: طراحی داخلی، تاریخ معماری، بدن، ذهن، طبیعت